

پیرِ نکته‌دانِ تحقیق

هومن یوسفدهی*

هنر اکنون همه در خاک طلب باید کرد
زانکه اندر دل خاکند همه پُره‌نران

نام پروفیسور سید امیر حسن عابدی به‌جهت مطالعات و پژوهش‌های عمیق و بلندمدتش برای محققان ایرانی نامی آشناست و قدر و منزلت او در نزد اهل تحقیق معلوم است. با نگاهی به‌عنوان کتاب‌ها و مقالات پروفیسور عابدی می‌توان دریافت که وی در انتخاب موضوع تحقیق، بویژه در مقالات، شیوه‌ای خاص داشت و بیشتر به‌دنبال روشن‌کردن نکات مبهم، طرح موضوعات ادبی مورد اختلاف، ارائه اشعار نایافته شاعران و معرفی شاعران ناشناخته یا کمتر شناخته شده بود و به‌جرات می‌توان گفت که رمز اشتهاور او در عرصه‌ی تحقیق همین نکته‌دانی و نکته‌پردازی‌هایش بود. او به‌جهت سال‌ها ممارست در این امر، انبوهی از اطلاعات و نکات کوچک و بزرگ ادبی و تاریخی را به‌حافظه‌ی قوی و ستودنی‌اش سپرده بود.

در محضر زنده یاد دکتر عابدی نخستین چیزی که جلب توجه می‌کرد، چهره متبسم و مهربانی ذاتی او بود و سپس اطلاعات جالب توجه وی. کافی بود باب صحبت در زمینه‌ی اثری ادبی و تاریخی یا احوال شاعر و نویسنده‌ای باز شود، آنگاه با طرح نکاتی درباره‌ی آن اثر، زندگی آن شخص و نسخ خطی آن کتاب یا دیوان، حاضران را شگفت‌زده می‌کرد. او در نگارش مقاله هم همین نکته‌دانی و دقیقه‌یابی را به‌کار می‌برد.

* دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

در اینجا برای نمونه به یکی از نکته‌یابی‌های ایشان اشاره می‌کنم و چنانکه مطلوب او بود، مطالبی را بر آن می‌افزایم.

تغلق‌نامه منظومه‌ای است که در سال ۷۲۵ ق توسط امیر خسرو دهلوی و به سفارش سلطان غیاث‌الدین تغلق (۷۲۵-۷۲۱ ق) سروده شده و موضوع آن شرح وقایع کشته‌شدن قطب‌الدین مبارک‌شاه (حک: ۷۲۱-۷۱۷ ق)، حکومت چندماهه و غاصبانۀ خسرو خان کافر نعمت (حک: ۷۲۱ ق) و بر تخت‌نشینی خود سلطان غیاث‌الدین تغلق است. ظاهراً نسخ این منظومه در نتیجه دست به‌دست شدن حکومت هند در بین سلسله‌های مختلف، به تدریج کمیاب بلکه نایاب شد؛ تا جایی که در عهد جلال‌الدین اکبر پادشاه (حک: ۱۰۱۴-۹۶۳ ق) در کتابخانۀ سلطنتی تیموریۀ تنها یک نسخه از آن موجود بود که آن هم از آغاز و پایان افتادگی داشت و تلاش اکبر پادشاه برای یافتن نسخه کامل آن بی‌نتیجه ماند؛ تا اینکه در عهد جهانگیر پادشاه (حک: ۱۰۳۷-۱۰۱۴ ق) در سال ۱۰۱۹ ق از شعرای دربار خواسته شد تا به تکمیل منظومه موجود بپردازند و از آن میان اشعار شاعری به نام حیاتی مورد پسند واقع شد و به دستور پادشاه این شاعر را سنجیدند و هم‌وزنش به او طلا و نقره بخشیدند.

از آنجا که در آن دوران دو شاعر ایرانی با همین تخلص در هند بسر می‌بردند که یکی حیاتی گیلانی نام داشت و دیگری حیاتی کاشی، در تذکره‌ها درباره اینکه سراینده تکملۀ تغلق‌نامه کدام یک از آن دو بودند، اختلاف روایت پیش آمد و همین اشکال به تذکره‌های دیگر راه یافت و این بلا تکلیفی سال‌ها ادامه یافت؛ تا اینکه پروفیسور امیر حسن عابدی و پروفیسور مقبول احمد به حلّ این موضوع اهتمام ورزیدند و با جمع‌آوری شواهد تاریخی و تهیه نسخه‌ای از تکملۀ تغلق‌نامه گره از کار گشودند و در خلال آن نکاتی را هم درباره دوره زندگی حیاتی گیلانی و حیاتی کاشی روشن ساختند که حاصل کار آنان در مقاله‌ای تحت عنوان «ضمیمۀ تغلق‌نامه امیر خسرو» در سال ۱۹۸۹ م در مجلۀ تحقیقات فارسی بخش فارسی دانشگاه دهلی به چاپ رسید.

در این مقاله نشان داده شده که گویندۀ تکملۀ تغلق‌نامه حیاتی گیلانی است و سال ۱۰۱۵ و ۱۰۱۸ ق که در بعضی منابع به عنوان سال درگذشت او نوشته شده، صحیح نیست و او نه تنها در سال ۱۰۱۹ ق که سال سرودن تکمله است، در قید حیات بوده

بلکه به‌استناد ماده تاریخ «حیات باقی یافته» که نویسنده معاشرش عبدالباقی نهاوندی در «مآثر رحیمی» آورده، در سال ۱۰۲۸ ق درگذشته است.^۱ این نکته را مطالب کتاب مجالس جهانگیری نیز که مربوط به وقایع حضور جهانگیر پادشاه است، می‌کند.^۲

کمال‌الدین گیلانی متخلص به «حیاتی» در رشت واقع در گیلان به دنیا آمد و در جوانی به تجارت روی آورد و به‌همین انگیزه به کاشان آمد و رفت و با شاعران آن دیار مشاعره داشت در گیلان در عهد خان احمد خان گیلانی (حک: ۹۷۵-۹۴۳ ق) شاعری به نام میرزا قلی میلی هروی (م: ۹۸۳ ق) در حالت مستی شمشیری بر دست راست او زد و حیاتی با آنکه می‌توانست انتقام بگیرد، از قصاص درگذشت و بعد از التیام جراحات از گیلان به کاشان رفت و از آنجا رهسپار هند شد. هم‌ولایتی‌اش حکیم ابوالفتح گیلانی (م: ۹۹۷ ق) او را نزد اکبر پادشاه (حک: ۱۰۱۴-۹۶۳ ق) و شاهزاده جهانگیر برد. حیاتی در این ایام اعتباری بهم زد و سرمایه‌ای اندوخت و صاحب منصب و جاگیر شد. او در سال ۱۰۰۵ یا ۱۰۰۸ ق به همراه عبدالرحیم خانخانان (م: ۱۰۳۶ ق) به دکن رفت و از صلات این سپهسالار تیموری برخوردار گردید و به منصب هزاری ارتقا یافت. وی ده سال در برهانپور اقامت نمود و در آنجا خانه‌ای برای خود و مسجدی برای عموم ساخت و باغی هم بر سر راه آگره احداث نمود. پس از آن در بین سال‌های ۱۰۱۵ تا ۱۰۱۸ ق بار دیگر به پایتخت رفت و از ندمای جهانگیر پادشاه (حک: ۱۰۳۷-۱۰۱۴ ق) شد و در سفر و حضر و لشکرکشی‌ها با او همراه بود و در همین ایام در ازای تکمیل تغلق‌نامه امیر خسرو دهلوی، در ۷ شعبان ۱۰۱۹ ق هم‌وزنش به او طلا و نقره بخشیده شد. ظاهراً پس از آن به خطایی از دربار رانده شد؛ ولی اندکی بعد مورد عفو قرارگرفت و عاقبت در سال ۱۰۲۸ ق، هنگامی که با پادشاه از سفر احمدآباد گجرات باز می‌گشت، در فتحپور از پادشاه اجازه گرفت به برهانپور بازگردد؛ اما در بین راه در آگره درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد. علاوه بر تکمله

۱. عابدی و مقبول احمد، «ضمیمه تغلق‌نامه امیر خسرو»، ۱۰۵.

۲. لاهوری، مجالس جهانگیری، ۱۰۸-۱۰۹، ۱۷۰، ۲۸۹.

تغلق‌نامه، دیوان اشعاری مشتمل بر حدود ۲،۰۰۰ بیت و مثنوی سلیمان و بلقیس از او باقی‌مانده است.^۱

اما در خصوص زمان زندگی حیاتی کاشی سهوی در مقالهٔ پروفسور عابدی و مقبول احمد واقع شده که برای روشن شدن موضوع بدان می‌پردازیم. در مقالهٔ مورد نظر دربارهٔ حیاتی کاشی آمده است:

”او در ابتدای کار سقایی می‌کرد و در نتیجه به اسم حیاتی معروف شد. گفته می‌شود حیاتی کاشی به فرقه نقطویان تعلق داشته و به این علت شاه تهماسب صفوی او را به زندان افکند. پس از رهایی او به شیراز و سپس کاشان رفت. ممکن است داشتن عقاید نقطوی و واقعه زندانی شدن درست باشد؛ اما نسبت دادن آن به شاه تهماسب امر مشکلی است؛ زیرا زمان شاه تهماسب اوّل قبل از حیاتی و شاه تهماسب دوم بعد از او بود. به هر حال بعد از آن به علت عشق ورزیدن با پسر صراف، حیاتی به قزوین و سپس به هندوستان عزیمت کرده و در شهر احمدنگر زندگانی گذراند و در سال ۱۱۰۰ هـ/ ۱۶۸۸-۹ م. به دار باقی شتافت“.^۲

و به همین اعتبار، اندکی بعد نوشته‌اند که:

”... حیاتی کاشی اصلاً به دربار مغولی تعلق نداشته و حتی با اکبر و جهانگیر معاصر هم نبوده است“.^۳

آنچه موجب این سهو شده، تاریخ ۱۱۰۰ ق است که برای سال مرگ حیاتی کاشی ذکر شده، زیرا با این حساب هم عصر بودن حیاتی کاشی با شاه تهماسب اوّل

۱. دربارهٔ حیاتی گیلانی نک: آزاد خزانه عامره، ۹۲-۱۸۹؛ غنی، تذکرة الشعراء، ۴۷؛ نصرآبادی، تذکرة نصرآبادی، ۳۱۳؛ حزین، سفینه حزین، ۸۰-۷۹؛ واله، ریاض الشعراء، ۱/۱۹۳؛ گلچین معانی، با کاروان هند، ۴۸/۱-۳۳۵؛ اخلاص، همیشه بهار، ۲-۶۱؛ نهاوندی، مآثر رحیمی، ۳۸-۴۱۵؛ رازی، هفت اقلیم، ۳/۵۱-۱۴۹؛ فخرالزمانی، میخانه، ۸۰۹-۸۱۷؛ تیموری، تذکرة الشعراء، ۲۲؛ عاشق، نشتر عشق، ۲/۵۶-۴۵۴؛ صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ۵(۲)/۱۲-۱۰۷.

۲. عابدی و مقبول احمد، «ضمیمهٔ تغلق‌نامه امیر خسرو»، ۱۰۶.

۳. همان، ۱۰۷.

(حک: ۹۸۴-۹۳۰ ق) و شاه تهماسب دوم صفوی (حک: ۱۱۴۵-۱۱۳۵ ق) و همچنین اکبر پادشاه (حک: ۱۰۱۴-۹۶۳ ق) و جهانگیر پادشاه (حک: ۱۰۳۷-۱۰۱۴ ق) غیرممکن است.

اما حیاتی کاشی به‌طور قطع از شعرای عهد شاه تهماسب اول صفوی و همچنین از سران اهل نقطه بوده و زمانی که شاه تهماسب در سال ۹۸۱ ق فرمان قلع و قمع نقطویان را صادر کرد، حیاتی کاشی در قزوین بود و در همانجا دستگیر و زندانی شد. او بعد از دو سال با روی کار آمدن شاه اسماعیل دوم (۹۸۵-۹۸۴ ق) از زندان نجات یافت و به‌شیراز رفت و یک دو سال بعد در عهد سلطان محمد خدابنده (حک: ۹۹۶-۹۸۵ ق) در سال ۹۸۶ ق به‌زادگاهش کاشان بازگشت و از عقاید نقطویه دست کشید. چندی بعد از کاشان رهسپار هندوستان شد و در احمدنگر دکن سکنی گزید. جهانگیر پادشاه (حک: ۱۰۳۷-۱۰۱۴ ق) که تعریفش را شنیده بود، او را به‌دربار فراخواند و ملازم خویش ساخت. زمان مرگ حیاتی کاشی معلوم نیست؛ ولی بعید نیست که او در سال ۱۰۱۵ ق که در برخی تذکره‌ها به‌غلط سال مرگ حیاتی گیلانی نوشته شده، درگذشته باشد که در این صورت اگر به‌هنگام زندانی شدن در قزوین (۹۸۱ ق) ۲۵ سال یا بیشتر می‌داشته، در سال ۱۰۱۵ ق در سنین ۶۰ سالگی یا بالاتر بوده است.^۱

کار ارزندهٔ دیگر پروفیسور امیر حسن عابدی و مقبول احمد در مقالهٔ مورد بحث، استنساخ تکملهٔ ۵۸۰ بیتی تغلق‌نامه از دیوان حیاتی گیلانی (نسخه موجود در موزه الله‌آباد) و مقابلهٔ آن با نسخهٔ چاپی تغلق‌نامه (منتشره در سال ۱۳۲۵ ق/۱۹۳۳ م) است. که با این بیت آغاز می‌شود:

به‌نام آنکه نام از وی نشان یافت زبان آموخت حرف و نطق جان یافت^۲
و به‌این ابیات خاتمه می‌یابد:

۱. برای آگاهی بیشتر دربارهٔ حیاتی کاشی نک: حزین، سفینهٔ حزین، ۷۹؛ آزاد، خزانهٔ عامره، ۹۳-۹۲؛ رازی، هفت اقلیم، ۷۹/۲-۴۷۸؛ واله، ریاض‌الشعرا، ۱۹۳/۱؛ صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ۱۲/۵-۱۰۰۷؛ گلچین معانی، کاروان هند، ۴۸/۱-۳۳۵؛ عاشق، نشتر عشق، ۵۳/۲-۴۵۲.
۲. عابدی و مقبول احمد، «ضمیمهٔ تغلق‌نامه امیر خسرو»، ۱۱۱.

فروغ دهر باد از نور تقدیر شعاع دولت شاه جهانگیر
 بود تاج شاهی در سرفرازی ز نورالدین محمدشاه غازی^۱
 در ابتدای این تکمله که از دیوان حیاتی گیلانی نقل شده، مطالبی به‌نثر آمده که
 جالب توجه است:

”مثنوی اول این کتاب داستان چندی است که به‌جهت اتمام یافتن کتاب تغلق‌نامه
 ناتمام امیر خسرو گفته شده که پاره‌ای از اوایل آن را نداشت و بسیاری از آخر
 هم؛ چنانچه تفصیل آن از داستان سبب نظم کتاب که گفته، مفهوم می‌گردد.
 بندگان خلائق‌پناه، خلافت دستگاه... به‌افصح‌الشعرای زمان ملّا حیاتی گیلانی
 امر فرمودند که ابتدای این کتاب را تا جایی که افتاده، بگویند و آخر را تمام کند.
 توفیق این خدمت یافته روح پرفتوح میر [خسرو] یآوری نموده، به‌روش
 پسندیده صورت اتمام یافت و به‌ساعت نیک از نظر خورشیدآثر گذشت و
 گفته‌ها خلعت پسندیدگی یافت و قائل را به‌زر وزن نمودند و به‌اوج مرتبه
 قدردانی و رتبت‌افزایی رسانیدند...^۲

آنچه گذشت تنها نمونه‌ای از شیوه تحقیق و نکته‌پردازی‌های پروفیسور امیر حسن
 عابدی بود و غالب مقالات این پیر نکته‌دان از چنین امتیازی برخوردار است. بی‌شک
 فقدان این مرد بزرگ که از دلدادگان زبان و ادب فارسی در هند بود، ضایعه‌ای جبران
 ناپذیر است؛ ولی جای خوشبختی است که شاگردان و پرورش‌یافتگان مکتب او که
 هریک نخلی بارور در عرصه تحقیق‌اند، راه او را ادامه خواهند داد و همچنان چراغ
 فارسی را در جای‌جای هندوستان روشن نگاه خواهند داشت.

منابع

۱. آزاد بلگرامی، میر غلام علی، خزانه عامره (تألیف ۱۱۷۶ ق)، مطبعة نولکشور، کانپور
 ۱۸۷۱ م.
۲. اخلاص، کشن چند، همیشه بهار، به‌کوشش وحید قریشی، کراچی، ۱۹۷۳ م.

۱. عابدی و مقبول احمد، «ضمیمه تغلق‌نامه امیر خسرو»، ۱۴۳.

۲. همان، ۱۱۰.

۳. تیموری، شاهزاده جهانگیر، تذکرة الشعرا، به تصحیح عبدالغنی میرزایف، کراچی، ۱۹۷۶ م.
۴. حزین لاهیجی، شیخ علی، سفینه شیخ علی حزین، با مقدمه مهاراجه بهادر کشن پرشاد، جامعه عثمانیه، حیدرآباد دکن، ۱۳۴۸ ق/ ۱۹۳۰ م.
۵. رازی، امین احمد، هفت اقلیم، ۳ جلد، به تصحیح و تعلیق جواد فاضل، کتابفروشی‌های علمی و ادبیه، تهران، (بی تاریخ).
۶. صفا، دکتر ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، چاپ نهم ۱۳۶۸ ش.
۷. عابدی، دکتر سید امیر حسن و سید مقبول احمد، «ضمیمه تعلق‌نامه امیر خسرو»، مجله تحقیقات فارسی بخش فارسی دانشگاه دهلی، ص ۴۳-۱۰۲، دهلی، ۱۹۸۹ م.
۸. عاشق عظیم‌آبادی، حسین قلی خان، نشتر عشق (تألیف ۱۲۳۳ ق)، ۵ جلد، دوشنبه ۱۹۸۱ م.
۹. غنی موفرخ‌آبادی، محمد عبدالغنی خان صاحب، تذکرة الشعرا (تألیف ۱۳۲۸ ق)، به اهتمام محمد مقتدی خان شروانی، علیگره ۱۳۴۴ ق/ ۱۹۱۶ م.
۱۰. فخرالزمانی قزوینی، تذکرة میخانه (تألیف ۱۰۲۸ ق)، به تصحیح احمد گلچین معانی، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. گلچین معانی، احمد، با کاروان هند، انتشارات آستان قدس، مشهد، ۱۳۶۹ ش.
۱۲. لاهوری، عبدالستار، مجالس جهانگیری، به تصحیح عارف نوشاهی و معین نظامی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. نصرآبادی، میرزا محمدطاهر، تذکرة نصرآبادی (تألیف ۱۰۸۳ ق)، به تصحیح وحید دستگردی، چاپ سوم، کتابفروشی فروغی، تهران، ۱۳۶۱ ق.
۱۴. نهانندی، عبدالباقی، مآثر رحیمی، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. واله داغستانی، علی قلی خان، ریاض الشعرا، ۲ جلد، به تصحیح دکتر شریف حسین قاسمی، رامپور، ۲۰۰۱ م.